



نگاهی به مجموعه داستان «از میان آتش»

خاطراتی که خاطره باقی مانده‌اند

احمد عربلو یکی از نویسندگان قدیمی کودک و نوجوان کشور است که از سال‌های دهه ۱۳۶۰ همکاری خود را با نشریات کودک و نوجوان آغاز کرد و کتاب‌هایی هم از او منتشر شد.

البته در ادبیات کشور بیشتر او را به عنوان طنزنویس می‌شناسند و سبک بیشتر داستان‌هایی که در مورد جنگ و رزمندگان نوشته با طنز همراه است.

مجموعه داستان «از میان آتش» عربلو که از سه داستان کوتاه دفاع مقدس تشکیل شده از معدود کتاب‌های او است که ساختاری جدی و غیرطنز دارد و شاید دلیل اصلی‌اش هم واقعی بودن و به قولی ریل بودن داستان‌ها باشد. عربلو، داستان‌هایی از لحظه‌های فریاد»، «از میان آتش» و «عدی به جان دشمن» را براساس خاطرات واقعی سه رزمنده دفاع مقدس نوشته که نام‌هایشان را هم در آخر کتاب آورده است.
آنطور که شواهد نشان می‌دهد خاطرات مکتوب و دستنویس این سه رزمنده به دست نویسنده رسیده و او نسخه‌ای دستنویس آنها را با بازآفرینی به شکل سه داستان رئال درآورده است.

این سه خاطره‌ای را که نویسنده به صورت داستان، ساخته و پرداخته است، از هر لحاظ ارزش داستان شدن را دارند، چراکه ماجراهایشان هم تعلیق دارد و هم تصویر.

در داستان اول که لحظه‌های «فریاد» نام دارد، چهار رزمنده داخل یک تانک ایرانی هستند و می‌خواهند به طرف پایگاه بعثی‌ها حرکت کنند. ارتباط بی‌سیمچی تانک که راوی اول شخص قصه است با مرکز فرماندهی قطع شده و همین او را نگران کرده است.

سربازان بی‌شماری هم پایه‌پای تانک در حال حرکت هستند. سرنشینان تانک هم فکر می‌کنند که سربازان پشت سرشان ایرانی هستند، اما ناگهان متوجه می‌شوند که سربازهای اطراف تانک همه عراقی‌اند و آنها فکر کرده‌اند که این تانک عراقی‌هاست که در حال عقب‌نشینی است.

هر چند نویسنده در این داستان رویور و هشتیم؛ یکی از نیروهای داخل تانک چارای نمی‌بیند جز اینکه از درچه تانک بالا برود و به طرف عراقی‌ها شلیک و آنها را با درگیری سرگرم کند تا نیروهای ایرانی از راه برسند. وقتی درگیری شروع می‌شود، یکی از رزمندگان ایرانی که از درچه سقف تانک بالا رفته، گلوله‌ای به سرش می‌خورد و شهید می‌شود، اما عراقی‌ها که متوجه قضیه شده‌اند، تانک ایرانی را به رگبار می‌پنند. داستان شروعی قوی دارد.

هر چند نویسنده در همان صفحات آغازین، گره داستان را زودتر از موعد لو می‌دهد: «همینطور که آرام پیش می‌رویم فکر و هم‌انگیزی در ذهنم خطور می‌کند: تمام دستگاه‌ها سالم است.

نیروهای پیاده هم در اطراف امان هستند، بنابراین… شاید اینجا نیروهای خودی نباشند… شاید اینجا عراقی باشند!» (صفحه ۱۰) در اینجا اگر نویسنده می‌توانست با استفاده از یک ایهام، قضیه عراقی بودن سربازهای اطراف تانک را در سطرهای پایانی داستان مشخص می‌کرد، داستان ساختار محکم‌تری پیدای می‌کرد، اما قضیه‌ای که بیش از هر چیز در این سه داستان مشهود است، این است که هر سه داستان کتاب هنوز با داستان شدن فاصله دارند و همچنان خاطره باقی مانده‌اند، چون نویسنده اول شخص داستان‌ها را بدون مکث و خاطره‌وار تعریف کرده و پیش رفته است.

دوم اینکه در پرداخت هر سه داستان از توصیفات و فضاسازی لازم پرهیز کرده و تا پایان، مخاطب متوجه نمی‌شود که این داستان‌ها در کدام نقطه از جبهه‌های کشور اتفاق افتاده است و فصلی که داستان‌ها در آن رخ داده، چه فصلی از سال بوده یا هوا در چه وضعیتی است.

نکته بارز و جالب توجه این مجموعه داستان، اما تعلیقی است که نویسنده در هر سه داستان کتاب ایجاد کرده است تا مخاطب را به کنجکاوی وادارد و بدون خستگی، داستان‌ها را تا آخر دنبال کند. «در میان آتش» توسط دفتر ادبیات و هنر مقاومت انتشارات حوزه هنری در ۴۸ صفحه و با قطع رقی منتشر شده است.



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
 صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی سر‌دبیر: غلامرضا صادقیان آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴ سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴ روابط‌عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸،نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴ توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴ چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان www.javanonline.ir
روزنامه جوان شماره ۵۹۹۰ یک‌شنبه ۱۲ مرداد ۱۳۹۹ ۱۲ دی‌الحجه ۱۴۴۱ اذان ظهر: ۱۳:۱۱ غروب آفتاب: ۲۰:۰۲ اذان مغرب: ۲۰:۲۷ نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۲۳ اذان صبح فردا: ۰۴:۲۸ طلوع آفتاب فردا: ۱۰:۱۴

حکمت

امام علی(ع):
کینه‌توزی، پست‌ترین عیب‌هاست.
غرر الحکم ودرر الکلم
فصل ۳۴، ج ۶

از پایتخت ۶ تا قسمت ششم آقازاده!

برخی حواشی سریال پایتخت ۶ و پشتیبانی بازیگرانش در فضای مجازی را سناریویی از پیش طراحی شده می‌دانستند، اما ظاهراً ماهیت حواشی قسمت ششم سریال آقازاده کاملاً متفاوت است



فرزین ماندگار

صفحه رسمی سریال آقازاده در فضای مجازی از حذف برخی صحنه‌ها که دارای بار محتوایی معنوی هستند، خبر داده است!
قسمت ششم سریال نمایش خانگی آقازاده جمعه این هفته درحالی روانه پلتفرم‌های فیلیمو و نماوا شد که تأخیر یکی دو ساعته انتشار برای آنهایی که این‌سریال را در هفته‌های پیش به شکلی ممتد دنبال کرده بودند و در انتظار بودند تا قسمت ششم را داغ داغ از تور بگیرند محسوس بود.

عنوان فیلم اولین چیزی را که به ذهن متبادر می‌کند، این است که احتمالاً قرار است مخاطب سریالی در ژانر سیاسی باشیم اما اینکه این ژانر در ایران اساساً سابقه و قدمت زیادی ندارد و کمتر فیلمسازی به سراغش رفته سبب می‌شود، خیلی هم انتظار سیاسی بودن از سریالی که عنوان آقازاده دارد نداشته باشیم. به ویژه اینکه وقتی نام حامد عتقا را به عنوان تهیه کننده و نویسنده تومان این کار می‌بینیم، احتمال می‌دهیم قرار نیست فراتر از سبک و سیاق فرمیک صداوسیما چیزی ببینیم و چارچوب همانی است که در کارهای پیشین این نویسنده تلویزیونی دیده‌ایم.

شاید ساختن سریال درباره آقازاده‌ها در ایران در وهله اول کار ساده‌ای به نظر نرسد؛ چراکه بالاخره نمی‌توان از آقازادگی حرف زد و به نحوی پای داستان به مسائل سیاسی کشیده نشود. آقازادگی در ایران خواه ناخواه واژه‌ای است که به مرور به دایرهٔ المعارف سیاسی راه پیدا کرده‌است. شاید اگر ۲۰سال پیش کسی این عبارت را می‌شنید ذهنش به سمت سیاست نمی‌رفت و از آن تلقی منفی نداشت، اما به مرور واژه آقازاده در ادبیات سیاسی

و اجتماعی ایران بار منفی زیادی به خود گرفت و مترادف فرزندان آدم‌های بانفوذی شد که اتفاقاً از نفوذشان آن‌طور که باید به سود جامعه استفاده نمی‌کنند. اینکه این چندتر به واقعیت صحنه سیاسی ایران نزدیک است یا اینکه رسانه‌ها به این موضوع بیش از اندازه دامن زده‌اند، مسئله‌ای است که موضوع این نوشتار نیست، اما وقتی از عبارت سانسور برای قسمت ششم سریالی با همین نام یاد می‌شود، موضوع قدری پیچیده‌تر به نظر می‌رسد. آیا آنچه برخی رسانه‌ها از آن به عنوان سانسور یاد

حکمت

امام علی(ع):
کینه‌توزی، پست‌ترین عیب‌هاست.
غرر الحکم ودرر الکلم
فصل ۳۴، ج ۶

با هشتگ «نه به سانسور» باز نشر شد.

■ شباهت ماجرا با پایتخت ۶
پیش از این شبیه این اتفاقات را عبد امسال درباره سریال پرحاشیه پایتخت ۶ هم دیده بودیم که بازیگران اصلی آن در فضای مجازی تلو یحاً از فشار برای سانسور خبر می‌دادند و همین باعث شد برخی اینگونه رفتارها را شبیه‌سازی شده رفتار بازیگران پایتخت ۶ بدانند و البته این شباهت هم ایجاد شود که موضوع حذف دقیقی از این سریال بیشتر به منظور جلب توجه برای این سریال انجام شده باشد، اما به نظر می‌رسد، موضوع درباره سریال آقازاده چیز دیگری است. درباره پایتخت ۶ این شباهت وجود داشت که عوامل عمداً از برخی خط فرم‌ها عبور می‌کنند تا با ایجاد چالش تفاوت نگاه خود با مدیران صداوسیما را به رخ عموم بکشند و تلویحا اعلام کنند اگر چه با صداوسیما کار می‌کنند و پول خوبی هم می‌گیرند، اما با مدیران سازمان نیز اختلاف نظر دارند. اینها شگردهایی است که آدم‌های رسانه‌ای از پیچیدگی‌های آن مطلع هستند، اما درباره اینکه ماهیت حواشی قسمت ششم آقازاده چقدر با این مسئله همخوانی دارد، نمی‌توان با قطعیت نظر داد هر چند می‌توان حدس زد موضوع سریال آقازاده با حواشی سریال پایتخت به لحاظ ماهوی تفاوت‌های زیادی دارد.

اکانت رسمی سریال «آقازاده» در توییتر در پاسخ به یکی از مخاطبان دربارۀ این قضیه نوشت: «مروز که با تأخیر به پخش رسیدیم، ولی اتفاقاً بچه‌های آقازاده هم متعجبند و باور نمی‌کنند حرف‌هایی درباره نماز، ایمان و معنویت و اِادت و امام رضا(ع) حذف بشه.» این مواضع نشان می‌دهد که احتمالاً موضوع حذف برخی مسأله‌ها در سریال ربطی به مسائل سیاسی ندارد، اما واقعاً نماز خواندن و معنویت در یک سریال چرا باید منجر به حذف شود؟ سازمان هنری رسانه‌ای اوج در صفحه رسمی خود در اینستاگرام جزئیات بیشتری از این ماجرا منعکس کرد. در این صفحه تصاویری از سکانس‌های حذف شده این قسمت منتشر شده و در ادامه با کاربران این پرسش مطرح شده است که «به نظر شما چرا این دیالوگ‌ها را از سریال حذف کردند؟»

همچنین برخی رسانه‌ها تعدادی عکس به همراه دیالوگ‌های حذف شده این قسمت را بدون اشاره به مخاطب یا گوینده دیالوگ‌ها منتشر کرده‌اند: تصاویری که راضیه (مانلی) را در پشت یک پنجره فولاد نشان می‌دهد و زیر آن این دیالوگ‌ها نوشته شده‌است: «شنیدی که اللهم اغنی بخلاک عن موضوع سانسور نکرد. بی‌نیاز از حرام کن؟ پادت باشه دخترم امام رضا وقتی دست کنی رو گرفت، دیگه رها نمی‌کنه. واسه امام رضا من و تو مسلمان با المنی و کلیمی هیچ توفیری نمی‌کنه چه بسا محبتشون به اونا بیشتر باشه. اختیار هر خونه دست صاحبشه. تو چیکارای بگی کی بره کی نره، امام رضا امام همه‌اس. عاشقی سخته خون دل خوردن داره، ولی بخلالت ندره. آقا شما می‌دونستین خانوم تو حرم مسلمون نبود؟»

خسرو سینیایی، کارگردان و مستندساز مطرح سینمای ایران که از چندینی پیش بر اثر ابتلا به کرونا در بیمارستان بستری شده بود، درگذشت. حبیب احمدزاده، نویسنده و مستندساز که چندی پیش از ابتلای خسرو سینیایی به کرونا نیز خبر داده بود با انتشار پستی در اینستاگرام خود نوشت: «حدود ساعت ۱۶ امروز، خسرو خوبان به نور پیوست.»
سیدمحمد طباطبایی مدیرعامل موسسه هنرمندان پیشکوتش نیز در گفت‌وگو با مهر این خبر را تأیید کرد.

فیلم سینمایی «عروس آتش» مشهورترین ساخته خسرو سینیایی است که از هجدهمین دوره جشنواره فیلم فجر سیمغ بلورین بهترین فیلمنامه را دریافت کرد. «جزیره رنگین»، «کویر خون»، «هتل یک قصه»، «گفت‌وگو

لما حسین کشتار



اسامی سخیف فیلم‌ها؛ مقدمه‌ای برای قبح‌زدایی در سینما

مقابل این جریان غیرحرفه‌ای ایستاده و از موضع قانونی و مرجعیت خود کوتاه نیامده‌است، بنابر اطلاع برخی رسانه‌ها، در مدت کوتاهی فیلم‌هایی با نام‌های «خودفروش، عوضی، ریست، ماساژوست، شبی دو میلیون دلار، غریزه اصلی، مرده‌خوَر، لقاچ، پوک‌ر ۴، تکخال، کمپلکس، خاک بر سری» برای اخذ مجوز، در یافت پروانه نمایش و پروانه ساخت در مقابل سد سازمان سینمایی قرار گرفته‌اند و به همه آنها اخطار قطعی داده شده‌است که بعد از تغییر نام «مجوز اکران یا پروانه ساخت…» صادر یا به طور قطعی تأیید می‌شود و حتی اگر برخی از این فیلم‌ها در ایام جشنواره نیز نمایش داده شده‌باشند، باید با تغییر نام پروانه اکران دریافت کنند و اکنون در مرحله تغییر نام هستند. رسانه‌ها باید در اینگونه موارد، فارغ از هر جهت‌گیری صنفی و سیاسی، تمام قد پشتیبان نهاد مرجع و تصمیم‌گیر باشند، تا هم سینماگران از اهرم فشارهای کاذب فضای مجازی علیه «قانون» استفاده نکنند و هم مسیر برای آیندگان روشن شود و جلوی الگوسازی مخرب گرفته شود.

به هر حال ذائقه‌سازی و تغییر فرهنگ عمومی، از مسیر تکرار برخی اسامی یا عادی‌سازی برخی رفتارها و گفتارها اتفاق می‌افتد و سینما هم می‌تواند علیه این جریان بایستد و هم مسیر این تغییرات فرهنگی را هموار کند؛ چه در موضوع تخریب زبان فارسی و استفاده از کلمات بیگانه، چه در موضوع عادی‌سازی برخی رفتارهای غلط در جامعه یا منکرات، باید این رفتار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را به فال نیک گرفت و برای تقویت و حمایت بیشتر، آن را تحسین کرد.

خسرو سینیایی بر اثر ابتلا به کرونا درگذشت



با سایه، «هرثیه گمشده» و «هیولای درون» از آثار او هستند.
روزنامه «جوان» در گذشت این هنرمند را به خانواده او و جامعه هنری تسلیت می‌گوید.

شبکه ۳ با «صفر بیست و یک» طنازی می‌کند

کنجکاو ی حضور رضویان و انصاری در کنار هم



را شکل دهد که بعد از این در سینما تداوم پیدا کند. مثل نمونه پژمان جمشیدی و سام درخشانی که از سریال «پژمان» شروع شد و بعدها در سینما در «خوب، بد، جلف» ادامه یافت. «صفر بیست و یک» در عین کمندی بودن در بسستر و فضای خانوادگی می‌شود که با توجه به مخاطب‌شناسی ایرانی و گرایش سریال محسوب می‌شود. به ویژه اینکه تجربه تاریخی نشان داده مجموعه‌های سریالی و داستانی طنز بیش از مجموعه‌های ایتمی موفق بوده یا دست کم با طیف بیشتری از مخاطبان ارتباط برقرار کرده است. سریال‌های رضا عطاران یا مجموعه‌های طنزی که سروش صحت ساخته است، مصداقی از این مناسبت. همین تجربه‌انشان می‌دهد وقتی کارگردانی که خود تجربه‌بازی کمندی داشته، سریالی می‌سازد موفق‌تر از بقیه است. حالا در صفر بیست و یک و با بازیگر کمدی رویه‌رو هستیم که مشترک کارگردانی می‌کنند و این برای نخستین بار است که اتفاق می‌افتد.

■ سعید بهشتی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، قطعاً علاوه بر تسهیل کسب و کارهای فرهنگی، باید وجه نظارتی و بازدارندگی خود را نیز به موازات آن تسهیل پیش‌برد و اجازه جولان به چهره‌های غیراصیل یا آنها که قصد گرفتن عکس یادگاری با ساحت فرهنگ و هنر دارند، ندهد. یکی از مهم‌ترین این نظارت‌ها، صیانت از زبان فارسی و فرهنگ عمومی است که گاه در اسامی انتخابی فیلم‌ها و سریال‌های شبکه نمایش خانگی ظاهر می‌شود. شاید در ابتدا، برخورد جدی و قاطع با این پدیده، کمی سنگین‌ترانه به نظر نیاید، اما باید قبول کرد که فرهنگ‌سازی از دل همین امور کوچک و نفوذ فطری‌ای اتفاق می‌افتد. در حالی که برخی کارگردانان و تهیه‌کنندگان سینما، برای خودزنی و دهن‌کجی به زبان فارسی و فرهنگ عمومی کشور، اسامی سخیف، غیرفارسی و زشت‌برای فیلم‌های سینمایی خود انتخاب می‌کنند، مواجهه با این رفتار نیازمند اعمال قدرت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بدون اغماض و مسامحه است.

انتخاب اسامی غیرمتراف توسط برخی سینماگران که خود نشانه ابتلال و استحاله برخی به ظاهر سینماگران است، علاوه بر تخلف از قانون در حوزه زبان فارسی و همچنین تخفیر جریان ریشه‌دار سینمایی کشور، بیانگر شهوت دبدبده‌شدن توسط این جریان سینمایی است که نیازمند برخورد قانونی و جدی با این رفتار از سوی شوراهای صدور پروانه و مجوز ساخت است. سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اخیراً در

خسرو سینیایی، کارگردان و مستندساز مطرح سینمای ایران که از چندینی پیش بر اثر ابتلا به کرونا در بیمارستان بستری شده بود، درگذشت. حبیب احمدزاده، نویسنده و مستندساز که چندی پیش از ابتلای خسرو سینیایی به کرونا نیز خبر داده بود با انتشار پستی در اینستاگرام خود نوشت: «حدود ساعت ۱۶ امروز، خسرو خوبان به نور پیوست.»
سیدمحمد طباطبایی مدیرعامل موسسه هنرمندان پیشکوتش نیز در گفت‌وگو با مهر این خبر را تأیید کرد.

فیلم سینمایی «عروس آتش» مشهورترین ساخته خسرو سینیایی است که از هجدهمین دوره جشنواره فیلم فجر سیمغ بلورین بهترین فیلمنامه را دریافت کرد. «جزیره رنگین»، «کویر خون»، «هتل یک قصه»، «گفت‌وگو

یادکردی از استاد برجسته و چهره ماندگار ادبیات پارسی دکتر بدرالزمان قرب

بدرالزمان قریبی که «بانوی واژه‌ها» شد



■ مصطفی محمدی

هفتم مرداد مه‌اد، بدرالزمان قریب، نویسنده، پژوهشگر، ایران‌شناس، زبان‌شناس و تنها نر عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی درگذشت؛ بانویی که به دلیل تسلط و خدمت‌اش به فرهنگ و ادبیات پارسی به وی لقب بانوی واژه‌ها داده‌بوندند. فقدان و درگذشت افرادی نظیر دکتر بدرالزمان قریب به دلیل وجاهت و وزارت علمی و پژوهشی که دارنده‌لمه‌ای قابل اعتنا به حوزه فرهنگ و ادبیات پارسی محسوب می‌شود تا جایی که ممکن است سالیان زیادی پس از مرگ آنها نظیر برایشان پیدا نشود. بدرالزمان قریب دهها سال از عمر خود را در مرکز زبان و فرهنگ‌سندی سبزی کرد، وی در همین رابطه گفته‌است: «من تنها درس خواندم، کتاب نوشتم و جز این، کار دیگری نکردم. وقتی از نوشتن فرهنگ‌سندی فارغ شدم و خواستم ازدواج کنم، دیدم ۷۰ سالم است.»

بانوی واژه‌ها که در خانواده‌ای فرهیخته و ادیب متولد شده و رشد پیدا کرده‌بود، تحقیقات و تألیفات و مقالاتی به زبان‌های فارسی، انگلیسی

^[1] هفتم مرداد مه‌اد، بدرالزمان قریب، نویسنده، پژوهشگر، ایران‌شناس، زبان‌شناس و تنها نر عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی درگذشت؛ بانویی که به دلیل تسلط و خدمت‌اش به فرهنگ و ادبیات پارسی به وی لقب بانوی واژه‌ها داده‌بوندند

^[2] فقدان و درگذشت افرادی نظیر دکتر بدرالزمان قریب به دلیل وجاهت و وزارت علمی و پژوهشی که دارنده‌لمه‌ای قابل اعتنا به حوزه فرهنگ و ادبیات پارسی محسوب می‌شود تا جایی که ممکن است سالیان زیادی پس از مرگ آنها نظیر برایشان پیدا نشود

^[3] بدرالزمان قریب دهها سال از عمر خود را در مرکز زبان و فرهنگ‌سندی سبزی کرد، وی در همین رابطه گفته‌است: «من تنها درس خواندم، کتاب نوشتم و جز این، کار دیگری نکردم

^[4] وقتی از نوشتن فرهنگ‌سندی فارغ شدم و خواستم ازدواج کنم، دیدم ۷۰ سالم است